بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۳۰

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۰۰:۰۰ ۱۳۸۸/۱۱/۱

متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد بزرگوار. وضعیتی را ترسیم میکنم تا شما ، ما را در گذار این مقطع از مقاطع تاریخیمان با یاری و کمک خداوند یاری بفرمایید . (انشاالله) . ما در دانشگاه کار فرهنگی میکنیم. گاها دوستان ما مطالبی رو به صفری ها میدن بخونن که از نظر بنده ضرورت ندارد به این معنی که مطالب مهم تری هم هست هر چند مطالب داده شده در جای خود لازم است. و این موجب نگرانی شخص بنده شده و احساس میکنم همین بی تدبیری ها موجب عقب ماندن آن ها و نیز صفری ها میشود. از نظر بنده ی حقیر ، عمده خودشناسی است. امام شناسی است . معاد شناسی است. که البته همه ی این ها هم به نوعی خودشناسی است. امام شناسی جدای از خودشناسی نیست چرا که امام در درون ماست و احساس میکنم که همگان باید ناچار شده و به ضرورت درک این مسائل رسیده باشند. و صد البته آن گاه که ما روی بحث های امام شناسی کار میکنیم به امام زمان و پس از آن برای ایجاد جامعه ی بقیه اللهی به بحث ولایت فقیه و لزوم نظام جمهوری اسلامی میرسیم . اما دوستان ما برای بین دو ترم به بچه های صفری و در کل بچه های مجموعه ، طوماری بلند از فرضا صحبت های دوگانه ی آقای مطهری دادند و به خیالشان میخواهند بصیرت سیاسی به اعضا بدهند. مجددا تاکید میکنم که از نظر بنده دانستن و تحلیل این مطالب صد البته لازم است اما مسائل ضروری تری در اولویت قرار دارد. اما به نظر شما این کار کار درستی است ؟ افرادی که ما تازه با آن ها مواجه شدیم و آنها هیچ گونه تصوری از نحوه ی بود و وجود خود ندارند ، احساس سرگردانی میکنند ، و الان با این رویکرد با مطالبی که ما به آنها میدهیم برخورد میکنند که ما داریم غذای جانشان را به آن ها میدهیم و این مسئله حساسیت مطلب را بالا میبرد ، یعنی آن ها به ما اعتماد کردند که مطلبی که الان دستشان میدهیم همان چیزی است که باید بخوانند و بین دو ترم روی آن وقت بگذارند. این مسائل برای شخص بنده خیلی سخت است و من را به گوشه گیری میکشاند و این مسئله (گوشه گیری) و تک روی در شخص بنده خیلی زیاد است. وقتی به چهره ی این بچه ها(صفری های دانشگاه) یا حرف هایشان نگاه میکنم گریه ام میگیرد و برایشان گریه میکنم که دلشان میخواهد ولی هیچ چیز نمیدانند. احساس میکنم آن ها خودشان هم اولویت ها را تشخیص نمیدهند و صفری ها این وسط دست به دست و بازیچه میشوند. جان آن ها مطالب ناب تری را میخواهد. نگرانم که نکند نحوه ی برخورد اعضا با تقاضای صفری ها موجب شود که صفری ها هم همچون افراد قبلی بار بیایند که شدیدا به چه کنم چه کنم افتاده اند . البته این دودلی ها طبیعی است و همه کم و بیش داریم اما آن چه به عینه میبینم این نحوه کار تعریف کردن ، موجب صدمه به افراد در سیستم میشود و یا

حداقلش این است که کار را بسیار سخت میکند چرا که ما با کار کردن یک سری مسائل ناب خودمان به بسیاری از تحلیل ها میرسیم و لازم نیست در موارد متعدد برای بصیرت سیاسی دچار کثرت گرایی شویم. این مسائل در حالی است که بنده احساس میکنم کار خاصی از دستم بر نمی آید . و راه نظر دادن را بر خود بسته میبینم و احساس میکنم اگر نظر مخالفی بدهم حتی اگر در قالب هم فکری هم باشد فضای بین خودمان متشنج میشود و بعضا منیت ها ظهور میکند. اما نمیتوانم بی تفاوت باشم و از این که دوستان به "کم" قانع شده اند میخواهم گریه کنم. . در شرایط ترسیم شده لطفا بفرمایید که باید چگونه با صفری و یا اعضای مجموعه برخورد کرد ؟ و در کل با وجود شرایط فوق هرگونه نصیحت به بنده ، پیشنهاد ، انتقاد ، یا تحلیل فضایی که برایتان ترسیم کردم به شدت برای بنده مفید است . و کمک کنید که این دوران را چگونه باید سپری کرد ؟؟؟ با تشکر فراوان از شما . التماس دعا.

متن پاسخ

علیکم السلام باسمه تعالی بنده نیز با جنابعالی موافقم که ابتدا باید مبانی معرفتی دانشجویان تازه وارد شکل بگیرد، ولی رفقای شما هم به جهت قصد خیری که دارند کارشان إن‌شاءالله نتیجه‌بخش خواهد بود و آنچه شما در ابتدا پیشنهاد می‌کنید آن‌ها بعداً عمل خواهند کرد و لذا نه جای نگرانی است و نه جای فاصله‌گرفتن با آن‌ها، دل‌سوزی‌ها و نیّت خیر آن‌ها را بنگرید و با تمام وجود به آن‌ها علاقه‌مند باشید و مسلّم خداوند در هدایت آن‌ها نظر رحمتش را شامل حالشان می‌کند. إن‌شاءالله موفق باشید